

زورم کرد، پدرم. مهندسی بخوانم یا پزشکی. نان و عزت در آن است! شدم! سرکار رفتم. دوام نیاوردم. به گروه خونم نمی خورد! شاید ارثی بود. هم از او، هم از مادرم، که هر دو هنر زاده هنرمند بودند. موسیقی و نقاشی. رهاش کردم! 1370

به شاگردی نزد بزرگان عکاسی رفتم. سیاه و سفید شروع کردم. زمانی که عکاسی صنعتی را آموخته بودم، زمانی که برای پروژه صنعتی بزرگی در شهری دیگر، همین چندی پیش، به شاگردی، پنج هزار تومانم داند، شورش کردم. اخلاقم همین بود. تند! می گفتند قُرُقرو هستی و بد اخلاق. بیرون زدم! خودم شروع کردم. با عکاسی مترو. اولین کارهایم را به اساتید نشان دادم. گفتند: "خوبست. برو. عکس بگیر. زیاد بگیر. خوبت خویش را انتخاب کن!" رفتم. عکاسی کردم. عکاسی کردم. عکاسی کردم ... تازگی می گویند، خوب می گیری. عکاسی هنری را هم شروع کردم. از سفال و سفالگر و سفالگری عکس های عیدیه دارم.

هنوز هم فکر می کنم عکاسی را باید با سیاه و سفید شروع کرد. عکس گرفت. ظاهر کرد. چاپ کرد. نور و کنترل را یاد گرفت. پرسپکتیو و کمپوزیسیون را فهمید ... مهم نیست ابزار کار چیست. دوربین بهتر و گرانتر، کمکی است به ثبت تصویر بهتر. راست می گویند، کسی که در این دوره زمانه عکاسی نداد، بی سواد است. بگذریم. برویم سر اصل مطلب. بیایید این تجربه را با هم شریک شویم:

فکر می کنم عکاسی که یک عکاس می گیرد، باید با عکس دیگران متفاوت باشد؛ باید با تصویری که بیننده در ذهن خود دارد، مغایر باشد: "یکنواختی هر روز بیننده تکرار نشود، تنوعی زیبا و رویا گونه"، ولی نه چندان دور از ماهیت اولیه!"

در عکاسی از هر سوژه ای باید اطلاعاتی اولیه از آن داشته باشیم، تا بپایمی که در تصویر ثبت می شود، گنگ، نامفهوم و یا تکراری نباشد. اگر عکاسی صنعتی می کنیم، از طرز کار، مواد اولیه، روش تولید، محصول نهایی، کاربرد، کارکرد، بازار ... چیزی می دانیم. با پرسپکتیو فضا و معماری بنا می که تأسیسات صنعتی در آن قرار دارد و نقش آن فضا در عکاسی، آشنا شویم. موضوع عکس هر چه باشد، اگر در فضای خودش خوب عکاسی شود، می تواند تأثیر بیشتری داشته باشد، اگر چه جزئیات این تأسیسات مقوله دیگری است. نمایش کارگران در حال کار در تونل مترو، اگر با فضای تونل ترکیب شود، عالمی دیگر دارد.

باید زیاد عکس گرفت. دوربین را در جاهای مختلف گذاشت. سوژه را از زوایای مختلف عکاسی کرد: دوربین در کنار لاستیک لودر و یا حتی کنار دیوار، بعد و فضایی جدید می آفریند. علاوه بر تغییر زاویه، کم و زیاد کردن ارتفاع دوربین هم. اگر لنز واید هم باشد، معجزه می کند.

همه چیز همیشه همراه است: دوربین، فیلم یا اسلاید مناسب به اندازه کافی، لنزهای لازم، سه پایه، دکلاشور، فیلتر، نورسنج، زمان سنج، تراز ... و تازگی کارت های اضافی دوربین دیجیتال هم.

همیشه از فیلم یا اسلاید حساسیت پائین استفاده می کنیم. 100 ISO؛ ایضاً در دیجیتال هم با حساسیت 100 ISO عکاسی می کنیم. هیچوقت فلاش نمی زنم. فلاش فقط چند متری جلوی دوربین را پر نور می کند. پرنور! بقیه تاریک! عکس تخت می شود! سه پایه و دکلاشور، عکاس را از فلاش بی نیاز می کند.

یک تونل در حال ساخت مترو، مقطع دایره ای شکل به قطر 9 متر دارد. روشنایی حدود 500 تا 800 متر طول "در مسیر صاف و بدون قوس"، یا در سقف و یا در یکطرف دیواره توسط تعدادی لامپ مهتابی، در ارتفاع 5 تا 6 متر و با فواصل حدود 5 متر تأمین می شود. در جبهه کاری فعال، یک یا چند پروژکتور 1000 وات (زرد) یا لامپ گازی (سبز) برای روشن تر شدن محیط کار نصب است.

برای خوب کار کردن در چنین محیطی ابزار دقیقی نیاز است:

* سه پایه محکم و قابل حمل، ارتفاع متغیر از 25 سانتیمتر تا 2/5 متر

* دوربین حتماً قفل آینه داشته باشد.

* تک لنزهای مورد نیاز و بخصوص واید مناسب (20 mm) ضروری است.

* فیلتر UV, FLD و آبی ضروری اند؛ و اگر دیجیتال کار می کنیم، تنظیم تراز سفیدی (White Balance)!

نور خوانی و زمان سنجی کنید و عکس بگیرید. خاکی و گلی از کارگاه بیرون برویم.

در ایستگاه متروی بهره برداری شده، قضیه تمیزتر برگزار می شود. عرض تونل 8متر و ارتفاع کف سکو تا